



نامه‌ای از تاریخ...

تگاهی به نامه شهید رئیس علی دلواری به آیت الله مجاهد برازجانی

یکی از معدود اسنادی که از شهید رئیس علی دلواری بر جای مانده، نامه آن شهید حماسه ساز به روحانی پیشتاز در مبارزه با انگلیس، آیت الله مجاهد برازجانی است. این نامه از وجوه مختلف قابل بررسی است و از آن میان، یکی نوع نگارش و ادبیات نامه است. چنانچه از نگارش این مکتوب پیداست، نگارنده به ادبیات زمان خود تسلط خاصی داشته است و این نشان می‌دهد که رئیس علی فردی مطلع و اهل مطالعه بوده است. این وجه همچنین نقطه اثبات وجه دیگر شخصیت رئیس علی، یعنی آگاهی کامل او از اوضاع و اتفاقات سیاسی - اجتماعی روز نیز محسوب می‌شود. در حقیقت متن نامه به گونه‌ای است که خواننده ناآشنا با وقایع تاریخی، برای درک مطالب آن ناگزیر به مطالعه کتاب‌های مرتبط و ارجاع به منابع دیگر است. از جمله موارد تاریخی که در این نامه مستقیماً ذکر نشده، می‌توان به اقدامات روحانی مجاهد آیت الله برازجانی علیه انگلیس، استفتاء ایشان از علمای نجف در خصوص جنگ نامه کنسول انگلیس به ایشان و پاسخ ایشان به بالیوز انگلیس اشاره کرد.

چنان که از متن نامه پیداست، رئیس علی دلواری از جویبیه محکم مجاهد برازجانی به بالیوز انگلیس که اتهامات متعددی به ایشان زده و حتی وقیحانه ایشان را مورد تهدید قرار داده کاملاً مطلع بوده است و همراهی خود با مجاهد برازجانی را با لحنی کاملاً محترمانه و تحسین برانگیز در این نامه به نگارش درآورده است. دیگر وجه قابل توجه این مکتوب، اشاره رئیس علی به روحیات مردم است. این موضوع بیانگر آن است که شهید رئیس علی دلواری در کنار مردم زندگی می‌کند و روحیه آن‌ها را به خوبی می‌شناسد و حتی واکنش آن‌ها را نیز می‌تواند پیش بینی کند و با این همه، در همین نامه به صراحت از شناخت خود نسبت به دشمن نیز سخن می‌گوید؛ شناختی که پیروزی‌های او در رودررویی‌های متعدد با دشمن را در پی آورد. برای درک این مطلب، به متن گزارش رئیس علی دلواری از یکی از رودررویی‌هایش با دشمن به مجاهد برازجانی توجه کنید؛ «انگلیسی‌ها پس از این که در جنگ خشکی با دلواریان مغلوب شدند، چهار فروند کشتی جنگی آن‌ها در

مقابل دلواریان
انداخت و چند
روز متوالی علی
الاتصال دلواری
گلوله باران کردند
و متجاوز از هزار
گلوله توپ به
دلواریان افکندند و

ما یکی از گلوله‌ها را وزن کردیم، بیست و چهار من بوشهر بود (تقریباً سی من تبریز) و چون از این کار سودی نبردند، ناچار یک عده هزار نفری تحت فرماندهی یک نفر سلطان (کاپیتان) انگلیسی پیاده و شروع به جنگ کردند و پس از کشته شدن صاحب‌منصب مذکور و نیمی از قشون آن‌ها، بقیه فوراً به کشتی پناهنده شدند. از ما معدودی بیش زخمی و تلف شده‌اند. حال که آن‌ها در خشکی و دریا مغلوب شده‌اند دیگر نمی‌دانم این بار از کدام طرف حمله

از جمله موارد تاریخی که در این نامه مستقیماً ذکر نشده، می‌توان به اقدامات روحانی مجاهد آیت الله برازجانی علیه انگلیس، استفتاء ایشان از علمای نجف در خصوص جنگ نامه کنسول انگلیس به ایشان و پاسخ ایشان به بالیوز انگلیس اشاره کرد.

خواهند کرد. چیزی که هست از هر جا حمله آورند جز این که مغلوب و منکوب شوند چاره‌ای نخواهند داشت. اجساد مقتولین انگلیسی در خارج دلواری در گوشه باغ افتاده، اگر مایل باشید تشریف آورده ببینید.» (تجاوز نظامی بریتانیا و مقاومت جنوب، سید قاسم یاحسینی، ناشر گلگشت، چاپ اول، صفحه ۱۶۴) نامه رئیس علی دلواری به مجاهد برازجانی - در کنار این گزارش - بیانگر نگرش تاکتیکی وی به جنگ و

قدرت او در پیش بینی حرکات دشمن است. علاوه بر مواردی که ذکر شد، این نامه وجه دیگری نیز دارد و آن اطلاع دقیق شهید رئیس علی از وقایع دولت‌های اطراف است. او در نامه مذکور از اتفاقاتی که در دیگر نقاط می‌افتد و اشتباهاتی که صورت می‌گیرد یاد می‌کند و خود را کاملاً برای مبارزه حاضر اعلام می‌کند. چنین هوشیاری، اصولاً از یک خان انتظار نمی‌رفت اما رئیس علی دلواری با دقت به اطراف نظر داشته و اخبار را دنبال می‌کرده است. حال اصلی‌ترین وجه این مکتوب را مورد اشاره قرار می‌دهیم، وجهی که دلیل بسیاری از اتفاقات بوده است. در حقیقت این وجه - که شخصیت رئیس علی را به طور روشنی برای ما تصویر می‌کند- در جای جای این مکتوب به چشم می‌خورد و آن نگرش دینی و الهی رئیس علی با حرکتی است که شروع کرده بود، حرکتی که با وجود قدمت تاریخی پیش از او نیز، کماکان به عنوان «قیام رئیس علی» از آن یاد می‌شود؛ رئیس علی با روشنی حرکت خود را صرفاً برای رضای خداوند می‌داند و از هیچ چیزی هراس ندارد. در این مکتوب اشاره شده است که دشمن قصد داشته حرکت او و حتی خود او را به آلمان‌ها منتسب کند اما رئیس علی به روشنی بیان داشتند که این ترفندها کارگر نخواهد افتاد و او برای خدا گام برداشته و در کنار مبارزی روحانی چون مجاهد برازجانی قرار گرفتن، پشتوانه محکمی برای قیام او محسوب می‌شود. رئیس علی حتی با دیگر روحانیون همچون آخوند خراسانی، سید عبدالله مجتهد بلاذی، سید علی نقی دشتی، سید مرتضی علم الهدی و سید عبدالحسین لاری نیز در ارتباط بوده و از نظرات آن‌ها استفاده می‌کرده است. او حتی در دیدار با علمای محلی، شرایط اتحاد محلی‌ها را - که اختلافات کوچک و بزرگی داشتند- فراهم می‌آورد تا



تا به حال خدمت آقای حاج سید غلام حسین [از علمای دشتی مقیم بوشهر] ده عریضه عرض کرده‌ام جانب خدا به کلی جواب نکرده‌اند. همین قدر با خود خیال کردم که بنی هاشم در مدینه بسیار باقیماند جز حضرت سید الشهداء که به تنهایی در صحرائ کربلا با لب تشنه شهیدش کردند. در کوفه حبیب بن مظاهر به تنهایی به یاری آن امام مظلوم حرکت کرد. قربانت آخر کار؛ همین طور می‌بینم هفتصد تفنگچی سوای دستگاه زائر خضرخان [اهرمی] حاضر و آماده است که این‌ها از بنده دور نیستند. هر وقت بخواهم تمام حاضر و مستعد می‌باشند. خوب ملاحظه فرمایید، روزی بهتر از امروز برای اهالی ایران فراهم نمی‌یابند. یک طرف دولت آلمان، یک طرف دولت اتریش، عثمانی چه کارها بر سر انگلیس و روس و فرانس آورده‌اند. دیگر انگلیس چه عضوی [چه اعتباری] دارد که ماها باید از آن‌ها بترسیم و از این طرف هم حکم محکم علمای اعلام بر وجوب جهاد البته خدا با ماست و فتح و نصرت نصیب جیش [سپاه] اسلام خواهد بود.

در خانه نشستن خودمان و راحت طلبیدن تمام وسوسه شیطان می‌باشد. مستحق آن نیستیم که خدا و رسول را از خود خشوند سازیم. روس و انگلیس حق دارند اگر خودمان هیچ کاری نکنیم و آسوده بنشینیم، چرا که همه نوع احترام به بقعه مقدس امام ثامن در شمال و [هتک] احترام به منبر سید الشهداء در جنوب کردند. در بمباران دلبار (به دلوار، دلبار هم می‌گفتند) کارهای خوب کردند. تف به ما، تف به ما. قربانت بروم، هوش ندارم [یعنی حضور ذهن ندارم] که شرح حالات به درستی عرض نمایم و مصدع زیاده از این نمی‌شوم. خیلی میل به دستبوسی و زیارت دارم. نمی‌دانم به چه قسم به این آرزو نایل شوم.

«از خداوند جلی توفیق می‌خواهد علی»
اسناد جنگ جهانی اول در جنوب ایران، کاوه بیات، مرکز بوشهرشناسی با همکاری انتشارات همسایه، ۱۳۷۷، ص ۱۲۷.

که همراهی ندارید، اجازه بفرمایید تا خودم هنگامه بلند کنم و دست به کار شوم. قربانت شوم. هر آینه خودمان دست به کار شده بودیم الآن بصره خالی شده بود و در شمار مجاهدین محسوب بودیم. به بوشهر هم نمی‌تواند اردو پیاده کنند، در صورتی که خودمان نزدیک و مواظب آن‌ها باشیم، چرا که بنده به خوبی این‌ها را [انگلیسی‌ها] می‌شناسم. هر آینه فی‌الجمله حمله‌ای به عساکر [سربازان] ایشان در قلعه بهمنی شده بود، الآن بصره خالی بود [از] قوه و مخارج از بوشهر جهت آن‌ها حمل می‌شود. اگر خودمان به همین حالت باقی بمانیم، مسلم است که هیچ کاری نمی‌کنیم و هیچ

**نامه رئیس‌علی دلواری به مجاهد
برازجانی - در کنار این گزارش - بیانگر
نگرش تاکتیکی وی به جنگ و قدرت
او در پیش بینی حرکات دشمن است.
علاوه بر مواردی که ذکر شد، این نامه
وجه دیگری نیز دارد و آن اطلاع دقیق
شهید رئیس‌علی از وقایع دولت‌های
اطراف است.**

حمایتی به علمای عراق هم نکرده‌ایم و در آینده نام خودمان را به بی‌حسی و بی‌دیانتی ثبت تاریخ دنیا خواهیم دید. کسی که حکم جنگ از علماء دیده باشد و حکم امام باشد و جنگ نکند، بهانه آن چیست؟ الآن در کربلا و نجف جنگ است، تمام علماء و پیشوایان دین ما در جهاد آب چشمان خود می‌خورند و امیدهای کلی از ماها داشتند که خیال می‌کردند به ورود حکم تمام اهل دشتستان و تنگستان دست به کار می‌شوند. الحمدلله از این طرف هم مایوس شدند [منظور از الحمدلله یعنی متأسفانه از منطقه جنوب کسی همکاری با علمای نجف و کربلا نکرد] چنانچه

در قیام بزرگ خود محکم‌تر گام پیش نهاد. در مجموع اگر چه اسناد در خصوص رئیس‌علی دلواری چنان که باید در دسترس نیست اما همین مختصر نیز اطلاعات وسیعی می‌تواند در اختیار خوانندگان و پژوهشگران بگذارد.

در این مجال سعی کرده‌ایم با چاپ کامل نامه شهید حماسه ساز رئیس‌علی دلواری به مجاهد پیشتاز آیت الله برازجانی، زمینه‌ای برای آشنایی بیشتر خوانندگان گرامی شاهد یاران به این شخصیت و قیام او فراهم آوریم.

**رئیس‌علی دلواری به شیخ محمدحسین برازجانی،
۱۱ جمادی‌الاول ۱۳۳۳**

قربان حضور باهرالنورت گردم. ای به فدای همت و غیرت و شجاعتت گردم. می‌دانم که مردم در این کار [مقصود مدافعه از خاک وطن است] چندان مساعدت و همراهی نمی‌کنند و بنده هم پایست کرده‌ام که نظرم به سوی ایشان است. هر آینه پای حضرت مستطاب عالی و امید از آن وجود مبارک که در حقیقت مجسمه شرف و وطن و اسلام خواهی است نداشتم، هر آینه تا حال پروانه‌وار خود را فدای ملت و وطن و اسلامیت کرده بودم.

همین قدر اطمینان از حضرت مستطاب عالی دارم که روز مضائق [روز سختی‌ها] از خط بیرون نمی‌روید [کنایه از این است که در سختی‌ها با ما هستید] و جان را ناقابل می‌دانید نه مانند اشخاص راحت طلب تنبل، راحتی این دنیای فانی را به هیچ نمی‌شمارید. قربانت گردم درجه بهشت پیدا کردن و شربت شهادت را داوطلبانه خواستن باید همتی عالی و عزمی راسخ داشت و بهای درجه عالی و نعیم اخروی و نام نیک ابدی به غیر از جان شیرین نیست، نه آن‌که مرعوبانه طرف مقابل مثل گربه مومور کرد مثل موش بروند. این‌گونه احساسات قابل همدردی با اسلام و وطن نیست و در تاریخ دنیا چنین اشخاص را ننگ عالم انسانیت دانسته‌اند. امروز روزی است که هر کس ادعای شرف و اسلامیت و وطن پرستی دارد باید امتحان داده از بوته امتحان بی‌غل و غش به درآید. چنانچه عقلاء فرموده‌اند:

خوش بود گر محک تجربه آید به میان
تا سیه روی شود هر که در او غش باشد
انگلیس‌ها انتشار می‌دهند که فلانی حمایت به قونسول جرمن دارد. به حول و قوه خداوندی از هیچ‌کس اندیشه و باک ندارم. می‌خواهند به تشر بنده را بترسانند، کما این‌که تلگراف تهدیدآمیز به حضرت مستطاب عالی کرده بودند. در حقیقت جوابی که از طرف ذی‌شرف در جواب تلگراف ایشان صادر شده بود، به قدری مشعوف شدم که خداوند عالم حد آن را می‌داند. همین جواب بود که فرموده‌اید. آفرین، آفرین، آفرین خدا بر شما باد. شایسته است که عموم اهالی فارس و خلیج به داشتن وجود مبارکی مثل حضرت عالی که در این مواقع این‌گونه جواب قانونی دندان شکن به اجانب داده‌اید، فخر و مباهات نمایند. خدایت در همه حال از بلا ننگه دارد. استدعا دارم یک ذره فروگذاری نفرمایید. اگر از مردم مایوس شده‌اید